

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتابخانه ملی ایران
جمهوری اسلامی ایران

۱۳۸۷ / ۱۲ / ۷



۹۸۴۲۵

۱۰۰۹۷



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه دکتری رشته جامعه‌شناسی

ساختار شفلی و تحرک اجتماعی در استانهای فارس و کهگیلویه و
بویراحمد مورد مطالعه شهرهای شیراز و یاسوج

کتابخانه مرکزی
دانشگاه تربیت مدرس

نگارش:
علی اصغر مقدس

استاد راهنما:
دکتر محمد توکل کوثری

۱۳۸۷ / ۲ / ۷

تاریخ ثبت: ۱۳ / ۱ / ۸۴
شماره ثبت: ۱۴۷

زمستان ۱۳۷۴

۹۸۴۷۵

هدیہ بہ روان پاک جوان نوشکفته،

سید محمد،

کہ سموم خزان تحرک نزولی پدر بر او کارگر افتاد.

تشکر و تقدیر

بدینوسیله لازم است از کلیه کسانی که به نحوی در مراحل مختلف این پژوهش راهنمای من بودند، یا با کمک خود ارائه بهتر آنرا امکان پذیر ساختند، تشکر و قدردانی کنم.

به ویژه از استاد راهنمای محترم خود جناب آقای دکتر محمد توکل کوثری و استادان مشاورم جنابان دکتر علی اکبر پایدارفر و دکتر مسعود چلبی به دلیل ارشادات ارزنده شان صمیمانه سپاسگزارم. همچنین از اساتید محترمی که قبول زحمت داوری فرمودند، آقایان دکتر محمد میرزائی، دکتر منصور وثوقی، دکتر رحمت ... صدیق و دکتر آزاد ارملی کمال تشکر را دارم.

از مسئولین محترم مرکز جمعیت شناسی دانشگاه شیراز و کارشناسان آن مرکز که در امر کنترل و هدایت پرسشگران با من همکاری داشته اند، و از دانشجویان بخش علوم اجتماعی دانشگاه شیراز که در امر مصاحبه و پرسشگری یاریم دادند و نیز از کارکنان صدیق و زحمتکش اداره کل دارائی و امور اقتصادی فارس، به ویژه کارکنان بخش تعاون ملی و از استانداری فارس به دلیل کمک مالی که به این تحقیق نمودند، سپاسگزارم. بالاخره از همسر و فرزندانم که صبورانه مشکلات متعددی را در مدت تحصیل و تحقیق متحمل شدند بسیار سپاسگزارم.

توفیق همه این عزیزان و دیگرانی که در این مختصر مجال برشمردن نام آنها نیست، از خداوند بزرگ خواهانم.

چکیده

هدف این تحقیق بررسی تحرک اجتماعی در جامعه شهری ایران با تأکید بر استانهای فارس و کهگیلویه، شهرهای شیراز و یاسوج است. در این رابطه تحرک اجتماعی از دو بعد مورد مطالعه قرار گرفته است. در بعد اول که بعد عمودی تحرک است، تحرک اجتماعی بر مبنای تحرک شغلی بررسی شده است. در بعد دوم، یعنی تحرک غیر عمودی، تحرک طبقاتی مورد نظر است. در تحرک عمودی از مقیاس منزلت و پایگاه اجتماعی - اقتصادی برای رتبه بندی مشاغل استفاده شده است و در تحرک غیر عمودی، تحرک طبقاتی بر اساس دسترسی به مالکیت و قدرت سازمانی مورد مطالعه قرار گرفته است.

دیدگاه ما این است که منزلت شغلی با رتبه طبقاتی بر هم منطبق نیست. کسانی که در مراتب بالای منزلت شغلی قرار دارند، لزوماً طبقات بالا را تشکیل نمی دهند و برعکس مالکان و ثروتمندانی که طبقات بالا را تشکیل می دهند از منزلت بالا برخوردار نیستند. بنابراین این دو را بصورت مجزا مورد بررسی قرار داده ایم. شک نیست که بین این دو رابطه ای وجود دارد، یک شغل خوب راه را برای ثروت و قدرت باز می کند، اما این راهی نیست که عمومیت داشته باشد. در جامعه ما مشاغلی مانند استاد دانشگاه وجود دارد که شغل خوب به حساب می آید، لکن همه اساتید امکان ورود به طبقه بالای قدرت و ثروت ندارند. ثروت خانوادگی و دسترسی به قدرت سازمانی راه هموارتری برای دسترسی به طبقات بالا به حساب می آید.

هر کدام از این دو نوع، یعنی تحرک شغلی و تحرک طبقاتی از جنبه تحرک بین نسلی یا تحرک ساختاری و تحرک درون نسلی مورد بررسی قرار گرفته است. تحرک بین نسلی مقایسه بین پایگاه شغل و طبقه پدر با پایگاه شغل و طبقه فرزند است و تحرک درون نسلی مقایسه بین پایگاه اولین شغل فرد و طبقه او در زمان ورود به بازار کار با پایگاه شغل و طبقه او در زمان مصاحبه است. تحرک بین نسلی بر حسب گروههای شغلی که روابط آنها بر اساس عرضه و تأمین نیروی کار از یکدیگر مشخص شده است و نیز تحرک از طبقات و اقشار اجتماعی هفتگانه نیز مطالعه شده است.

اطلاعات اصلی مورد استفاده در این تحقیق از دو نمونه بیانگر ۲۲۰۰ نفری در شیراز و یاسوج و از جمعیت شاغل این دو شهر، بدست آمده است. همچنین از اطلاعات تکمیلی حاصله از پرونده‌های مالیاتی و نتایج سرشماری‌ها و دیگر آمارهای رسمی، استفاده شده است. بمنظور تحلیل انواع تحرک اجتماعی، جداول متعددی تنظیم شده است. برای مقایسه این جداول، از جدول تحرک کامل، که بر اساس فرض استقلال موقعیت شغلی - طبقاتی فرد از خاستگاه شغلی - طبقاتی او است، استفاده شده است. به علاوه برای مشخص ساختن میزان تأثیر عواملی که در تحرک بین نسلی و درون نسلی دخالت داشته‌اند، تکنیک تحلیل مسیر بکار رفته است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در جامعه شهری ایران، تحرک شغلی متداول است، لکن این تحرک بیشترین نسلی و افقی است که بر اثر تغییر ساختار شغلی جامعه شهری ایران حاصل شده است. عامل مهم مؤثر در تحرک شغلی وضع تحصیلی است که در چند دهه اخیر عمومیت پیدا کرده است.

همچنین مقایسه دو شهر شیراز و یاسوج نشان می‌دهد که در شیراز تحرک صعودی و در یاسوج تحرک افقی شایع‌تر است. به‌علاوه در شیراز زنان بیشتر از مردان متکی به تحصیلات خود و همسران خود هستند. از طرف دیگر، تحرک طبقاتی با موانعی روبرو است که گذشتن از آنها برای عامه مردم امکان‌پذیر نیست. این تحرک به دو منبع ثروت یا مالکیت و قدرت نیاز دارد که عمدتاً در اختیار سرمایه‌داران، مالکان، کارکنان مستقل و مدیران اجرایی است در نسل گذشته این مدیران اجرایی بوده‌اند که به طبقات بالا راه یافته‌اند. البته به دلیل شرایطی که بر اثر انقلاب و جنگ و بی‌ثباتی اقتصادی حاصل آمد، این امکان برای جمعی از کارگران و اعضاء بخش غیررسمی فراهم شده است که با تحرکی درون نسلی به طبقه کارکنان مستقل پیوندند.

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

مقدمه

- الف : شرایط جامعه ایران و ضرورت طرح موضوع ۱
- ب : سوالات اساسی تحقیق ۳
- پ : ماهیت تحقیق ۵

بخش ۱- مسائل نظری

فصل اول : نظریه های نابرابری اجتماعی و تحرک

- ۱- نظریات کلاسیک ها ۱۰
- ۲- نظریات معاصرین
- الف : کارکردگرایان ۲۹
- ب : ستیزگراها و نظریات ترکیبی ۳۸
- پ : جامعه شناسان لهستانی و نظریات ترکیبی ۴۶
- جمع بندی نظریات ۵۲

فصل دوم : سابقه تحقیقات و چارچوب نظری تحقیق

- الف : سابقه تحقیقات در جوامع غربی ۵۵
- ب : سابقه تحقیقات در جوامع در حال توسعه ۵۶
- پ : سابقه تحقیقات در ایران ۶۰
- ت : جمع بندی نهائی و ارائه چارچوب نظری تحقیق ۶۵
- مفاهیم اساسی و فرضیه های تحقیق ۶۶

بخش ۲ : بخش میدانی

فصل سوم : معرفی جامعه مورد مطالعه

- ۱- استان فارس و شهر شیراز ۷۶
- ۲- استان کهگیلویه و بویراحمد و شهر یاسوج ۸۶

فصل چهارم : روش تحقیق

- یک - روش های جمع آوری داده ها ۹۷
- دوم - نمونه گیری ۱۰۳
- سوم - شیوه تحلیل داده ها ۱۰۷

فصل پنجم : ساخت شغلی و طبقات : فرایندهای تحرک

- ۱- تحرک نیروی انسانی در بین گروههای شغلی ۱۱۲

تحلیل جداول تحرک

- الف : تحرک بین نسلی ۱۱۷
- ب : تحرک درون نسلی ۱۲۸
- پ : نسبت های تحرک و مقایسه جداول ۱۳۳

۱۴۴.....	ت: عرضه و تأمین نیروی کار
	۲- تحرک غیر عمودی
۱۵۱.....	تحرک طبقاتی
	فصل ششم: عوامل مؤثر در تحرک شغلی
۱۷۵.....	تحصیلات و تحرک
۱۷۷.....	مهاجرت و تحرک
۱۸۱.....	انقلاب و تحرک شغلی
۱۸۳.....	تحلیل های رگرسیونی: تحلیل مسیر
۱۸۹.....	تحرک بین نسلی - مردان مهاجر و غیرمهاجر: شیراز در ارتباط با وضع قومی
۱۹۰.....	گروه های سنی و تحرک بین نسلی
۱۹۳.....	عوامل مؤثر بر تحرک در یاسوج
۱۹۵.....	نتیجه گیری

فصل هفتم: بحث نهائی، جمع بندی و پیشنهادات

۱۹۸.....	جمع بندی دیدگاه نظری و روش شناسی
۲۰۱.....	یافته ها
۲۱۱.....	پیشنهادات
۲۱۳.....	منابع و مأخذ

پیوست ها

۲۲۲.....	پیوست شماره ۱- منزلت مشاغل در شیراز و یاسوج
۲۵۲.....	پیوست شماره ۲- پرسشنامه تحقیق
۲۶۶.....	پیوست شماره ۳- مناطق همگن شهری در شیراز
۲۶۷.....	پیوست شماره ۴- داده ها
۲۷۵.....	چکیده انگلیسی

در این مقدمه، درباره موضوعهای زیر سخن گفته ایم:

الف- آنچه باعث شد که این موضوع انتخاب شود

ب- سوالات اساسی تحقیق

پ- ماهیت این تحقیق و مراحل آن.

الف: شرایط جامعه ایران و ضرورت طرح موضوع

جامعه ایران، جامعه پویایی است که از حدود یک قرن پیش ساختار سنتی آن شروع به تغییر کرده است و این تغییر همراه با پدیده‌های صنعتی شدن، شهرنشینی و رشد جمعیت، همچنان ادامه دارد. با وقوع انقلاب اسلامی و فرو ریختن نظام سیاسی گذشته، این فرآیند تغییر، وارد مرحله جدیدی شد. بی‌شک انقلاب فرآیندهایی را کند و بعضی دیگر را تشدید کرد. مسلماً "پی‌آمدهای این تغییرات و رویدادهای انقلاب هنوز کاملاً به پایان نرسیده است، بخصوص که جامعه مائاکنون ساخت متناسب با نهاد سیاسی جدید خود را باز نیافته است. بعضی از پی‌آمدهای انقلاب عبارتند از:

تأسیس سازمانهای جدید، افزایش دامنه نفوذ دولت و تمرکزگرایی، ملی شدن بعضی از صنایع، جنگ و سیاستهای اقتصادی دوران جنگ،^(۱) سیاستهای تأمین مسکن و برنامه‌های مشوق ازدیاد جمعیت، سرمایه‌گذارهای جدید، سیاست و برنامه‌های آموزش عالی و گسترش دامنه تحصیلات عالی و نظام سهمیه‌بندی از مهمترین پیامدهای انقلاب هستند، همچنین^(۲) کاهش درآمد نفت به دلیل شرایط

۱- برای بررسی مسائل اقتصادی، نقش دولت در بعد از انقلاب مراجعه شود به Amir ahmadi, 1990

۲- جهت اطلاع از نظام سهمیه‌بندی و گزینش دانشجویان بعد از انقلاب مراجعه شود به: Habibi, 1991

جهانی، فشارهای اقتصادی - فرهنگی خارجی، سیاستهای نوسازی و بازسازی بعد از جنگ و سیاست واگذاری مجدد بعضی از صنایع و خدمات دولتی به بخش خصوصی و قانون و مقررات سرمایه گذاری، کار و نظایر آن از دگر پیامدهایی است که باید به آن اشاره شود. این شرایط بر فرآیند افزایش تعداد کارکنان بخش خدمات، رشد صنعت، افزایش مهاجرت به شهرها، افزایش نسبت کارکنان مستقل و کارفرمایان، کاهش حقوق بگیران بخش خصوصی، افزایش تعداد کارکنان مشاغل علمی و فنی و تخصصی، افزایش فعالیت بخش ساختمان و بالاخره تورم فزاینده و پائین آمدن شدید قدرت خرید حقوق بگیران تأثیر داشته است؛ مواردی که بسادگی از مقایسه آمارهای موجود سالها ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ و بعد از آن به دست می آید.

همه این تغییرات که در رشد جمعیت فعال جامعه، میزان شاغلین، توزیع آنها در بخشهای گوناگون و موقعیتهای شغلی تحقق یافته است، در سرشماریها منعکس است و اطلاعات حاصل از این اسناد گوشه ای از واقعیتها را به ما می نمایاند.

اما این نتایجی که از داده های سرشماری به دست می آید به تنهایی مشخص نمی سازد که وضعیت نابرابری اجتماعی چگونه است. از این رو ناقص و شناخت کاملی از ساخت جامعه به دست نمی دهد. این درست است که بر اساس "موقعیتهای شغلی" که در سرشماریها مطرح است، وضعیت حقوقی صاحبان مشاغل از نظر استقلال یا وابستگی و فروش نیروی کار یا قدرت خرید نیروی کار دیگران آشکار و، بخشی از وضعیت نابرابری معلوم می شود، لکن موضوع مهمی که در اسناد موجود غایب است، نحوه توزیع فرصتها و شانس نابرابر افراد برای دستیابی به این فرصتها و امتیازات اجتماعی است.

بدون شک در این تغییر و تحولات گسترده و فراگیری که به آن اشاره شد، آنهایی که دسترسی به منابع مختلف اجتماعی داشته اند در دستیابی به موقعیتهای بالاتر در ساخت اجتماعی موفق تر بوده اند و شاید در اوضاع جدید و تغییر ساختار جامعه، افرادی به طور ناخواسته در موقعیتهای جدیدی در این

ساختار قرار گرفته باشند و مسلماً "عده‌ای متضرر شده و دسته‌ای به منابع و منافع جدیدی دست یافته‌اند.

ب: سوالات اساسی طرح

با توجه به این مسائل، شناخت منابعی که برای دستیابی به "موقعیت‌ها" مهم است، اهمیت خاصی پیدا می‌کند. آیا این امتیازها از خانواده فرد به ارث رسیده است؟ یعنی نابرابریهای مربوط به دسترسی به فرصتها و امتیازات و منابع کمیاب، از طریق خانواده از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است؟ یا این منابع بوسیله ابزاری قابل دستیابی است، که با تلاش فردی یا استعداد و شایستگی کسب می‌شود؟ و بالاخره آیا برنامه‌های دولت، رشد جمعیت، شهرنشینی و سرمایه‌گذاریهای جدید در بخشهای مختلف، فرصتهایی را برای افراد پیش آورده است یا خیر؟

این سؤالاتی است که در جامعه‌شناسی تحت مبحث "تحرك اجتماعی" مورد بحث قرار می‌گیرد. بخصوص این موضوع از این رورزش بررسی دارد که معمولاً گفته می‌شود "ایران اساساً یک جامعه باز قلمداد شده است؛ به این معنی که از سازمان کاستی خشک و نجبای موروثی برکنار بوده است." (Behnam, 1986, P.87) بعلاوه چون در گذشته تنها معیار برای تحرك، کسب ثروت بوده است تا صفات ذاتی فرد، در این صورت در غیاب یک اشرافیت و نجبای اصل و نسب دار، سیرین طبقات ساده انگاشته می‌شد. معمول نبودن شجره شناسی (به جز برای سادات و خوانین ایلی) دال بر ضعف اشرافیت با سابقه است که همراه با اعتقاد به نظامی باز ستیز (طبقاتی) در جامعه‌ای با ساخت اجتماعی نابرابر را کاهش می‌داده است. (Ibid, P.88)

بدون شک در جامعه ایران برای دوران طولانی ثروت و قدرت دست به دست هم پیش رفته‌اند. ثروت در مواردی خرید موقعیت اداری را امکان‌پذیر می‌ساخت و دسترسی به قدرت، کسب ثروت را به همراه داشت. این رویه از نظر تاریخی ابزاری برای تسهیل تحرك به حساب می‌آمد. در چنین

شرایطی با این که همیشه امکان تحرک اجتماعی وجود داشته است اما برای طبقات پائین تحرک، مشکل و دور از دسترس بوده است. توده مردم، نه تنها فاقد قدرت بودند بلکه ابزار تسهیل کسب ثروت از قبیل تعلیم و تربیت رسمی، موقعیت نظامی، و دسترسی به اشخاص ثروتمند را نیز نداشتند. فقط افرادی از توده مردم امکان تحرک پیدا می‌کردند که از طریق تزویر، استعداد شخصی یا تصادف خود را به مدارج بالاتر می‌کشیدند. در قدیم، خدمات نظامی یا مذهبی، مناسب‌ترین فرصت را برای تحرک ایجاد کرده‌اند. (Ibid, P.98)

در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که در شرایط امروز که تعلیم و تربیت رسمی در دسترس قشر وسیعی از مردم ایران قرار گرفته است، آیا در موقعیت اجتماعی^(۱) آنها تغییری حاصل شده است؟ اگر تغییری روی داده است میزان آن چقدر است؟ وضع خانوادگی فرد تا چه اندازه در رسیدن به مقام و موقعیت اجتماعی او تأثیر داشته است؟ بخصوص آیا وضع طبقاتی پدران در وضعیت فرزندان نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است یا خیر؟ همچنین پدیده‌هایی مثل شهرنشینی، صنعتی شدن، رشد جمعیت و مهاجرت در تحرک اجتماعی افراد چه تأثیری داشته است؟ و بالاخره در مورد باز یا بسته شدن جامعه ایران چه قضاوتی می‌توان کرد؟

اینها سوالاتی است که اهداف مطالعه تحرک اجتماعی را مشخص می‌سازد. در قسمت بعد جزئیات مسأله مورد بحث قرار خواهد گرفت.

تحرک اجتماعی تغییر در فضای اجتماعی است که حرکت روبه‌بالای (صعودی) افراد یا روبه پائین (نزولی) آنان در یک مرتبه یا در سلسله مراتب قشربندی اجتماعی را نشان می‌دهد و دامنه آن برحسب تحرک در اقشار مجاور یکدیگر یا اقشار دورتر از یکدیگر تعریف می‌شود. بنابراین تحرک اجتماعی و دامنه آن، میزان نفوذپذیری اقشار اجتماعی و ساخت نابرابر در یک جامعه را نشان می‌دهد.^(۲)

1. Social Position

۲- تعریف دقیق‌تر اصطلاحات در فصل بعد آمده است. بخصوص رابطه شغل و طبقه و قشر و انواع تحرک.

پ: ماهیت این تحقیق

اشاره شد که این تحقیق مطالعه‌ای است در مورد تحرک اجتماعی، که بطور خاص، رابطه بین عوامل ساختاری و عناصر فردی را با تحرک مورد بررسی قرار می‌دهد. در این تحقیق نظریات گسترده‌ای مورد نقد و بررسی قرار گرفته است تا چارچوب دقیق‌تری برای تحلیل این پدیده به دست آید. این تحقیق تحت عنوان گسترده‌تر "تغییر ساختار نابرابری و گزینش اجتماعی" (۱) قرار می‌گیرد.

بعلاوه در این تحقیق جامعه شهری و تغییرات ساختار آن بیشتر مورد توجه بوده است. زیرا پدیده شهرنشینی که روزه روز بر اهمیتش در حیات اجتماعی جامعه ایران افزوده می‌شود، بررسی همه جانبه‌ای را طلب می‌کند. یکی از ابعاد مطالعه زندگی شهری مسأله تحرک اجتماعی در آن است. نابرابریهای ساختاری این جامعه بدون مطالعه تحرک اجتماعی شناخته نخواهد شد. از طرف دیگر نظریه جامعه شناسی تحرک اجتماعی، ناچار است که در پیوند با نظریه ساخت نابرابر اجتماعی باشد. تحلیل تحرک اجتماعی نمی‌تواند از این ساخت نابرابری و البته مفهوم ثبات و تغییر در آن کنار گذاشته شود (Mach and Wesolesky, 1986) همانطور که گفتیم ساخت نابرابری را صرفاً نمی‌توان بر حسب موقعیت شغلی توضیح داد و تفسیر کرد.

در نهایت باختصار می‌توان گفت که این تحقیق بگونه‌ای طراحی شده است که - شبه توصیفی، تبیینی و تحلیلی داشته باشد. از این رو توصیفی است که کوششی برای جمع‌آوری اطلاعات معتبر در مورد خصوصیات از شاغلین شهری با زمینه‌های گوناگون اجتماعی - اقتصادی است. تبیینی است زیرا به مطالعه گسترده عوامل و علل تحرک اجتماعی پرداخته است؛ و از این جهت تحلیلی است که با بکارگیری روشهای پیچیده آماری و در چارچوب نظریه‌ای معین، سعی شده است اطلاعات به دست آمده را در جهت تحلیل ساخت نابرابری جامعه شهری ایران به کار گیرد. در این راستا از جداول تحرک (۲) و مدل‌های تحلیل چندمتغیری استفاده شده است.

این پژوهش براساس اطلاعات حاصله از یک نمونه بیانگر ۲۲۲۰ نفری از زن و مرد شاغل یا فعال

در شهر شیراز و یاسوج و بر پایه بررسی پرونده‌های مالیاتی و آمار و اطلاعات رسمی در استانهای فارس و کهگیلویه و بویراحمد انجام پذیرفته است.

این تحقیق از فصلهای زیر تشکیل شده است:

فصل اول: تئوریهای موجود و نظریه انتخاب شده در تحقیق.

فصل دوم: بررسی سابقه تحقیق، مفاهیم اساسی تحقیق، فرضیه‌های تحقیق همراه با تعریف

عملیاتی متغیرها.

فصل سوم: معرفی اجمالی جامعه مورد مطالعه، استانهای فارس و کهگیلویه و بویراحمد،

شهرهای شیراز و یاسوج براساس اسناد موجود.

فصل چهارم: روش تحقیق و فنون جمع‌آوری داده‌ها.

فصل پنجم: ساخت شغلی و طبقات: فرایند تحرک.

فصل ششم: عوامل مؤثر بر تحرک شغلی و تحلیل داده‌ها.

فصل هفتم: بحث و نتیجه‌گیری.

بخش ۱

مسائل نظری

فصل اول

نظریه‌های نابرابری اجتماعی و تحرک اجتماعی

در این فصل نظریه‌های مطرح شده در مورد مسأله نابرابری و تحرک اجتماعی مورد بحث قرار خواهد گرفت. این نظریات به دو دسته کلی کلاسیک و معاصر تقسیم می‌شود که هر کدام از آنها به نظم‌گرا (کارکردگرا)، و ستیزگرا منشعب می‌شوند. نظریات دیگری نیز وجود دارد که تلفیقی از این دو نحوه نگرش به جامعه و مسأله نابرابری است. در پایان این فصل، نتیجه‌گیری و دیدگاه مورد استفاده در این تحقیق بیان خواهد شد.

از زمانی که کتاب سوروکین به نام "تحرک اجتماعی"^(۱) در سال ۱۹۲۷ انتشار یافت، نزدیک به هفتاد سال می‌گذرد، و اگر توجه داشته باشیم که مسأله نابرابری و تحرک اجتماعی بصورت مستقیم یا غیرمستقیم در اندیشه نظریه‌پردازانی مانند ابن‌خلدون، ماکس وبر و دورکیم مطرح شده است، سابقه مسأله به دورانی دورتر از قرن حاضر برمی‌گردد. قصد این نیست که در اینجا نظریات و مطالعات همه متفکرانی که در این موضوع اندیشه‌هایی ارائه داده‌اند، طرح و بررسی شوند. اما لازم است برای دسترسی به چارچوب نظری این تحقیق و مشخص شدن ریشه‌های مطالعات امروزی، تفکرات جامعه‌شناسان کلاسیک را مرور کنیم و بعد از آن به مطالعه نظریه‌های معاصرین بپردازیم. البته به علت گستردگی میدان نظری مجبور شدیم که از میان متفکران و صاحب‌نظران با نفوذترینشان را برگزینیم.

الف - نظریات کلاسیک

مسئله‌ی بیشترین سهم مطالعه نابرابری اجتماعی و تحرک در عالم اسلام به ابن‌خلدون و در عالم غرب به مارکس، وبر و دورکیم تعلق دارد. این بدان معنی نیست که متفکران دیگری در این زمینه اظهارنظری نکرده‌اند. ابن‌خلدون بعنوان اولین متفکری است که در مورد جامعه خاورمیانه که ایران بخشی از آن است نظریاتی را ارائه داده است، و مارکس، وبر و دورکیم بیشترین تأثیر را در تفکرات غربی در این زمینه به جا گذاشته‌اند.

این متفکران از نظر نحوه‌ی نگرشی که دارند از یکدیگر متفاوتند. ابن‌خلدون را به لحاظ اهمیتی که به جنگ و درگیری برای تشکیل دولت و تمدن شهری می‌دهد، می‌توان ستیزگرا نامید، اما چون در این فرآیند تأکید بر نخبه‌های سیاسی جامعه دارد، نخبه‌گرا نیز هست. مارکس نیز ستیزگرا است، لکن با تأکیدی که بر ستیز بین طبقات جامعه دارد و نه صرفاً درگیری طبقات نخبه جامعه، نظریه‌اش متفاوت از ابن‌خلدون است. دورکیم نظم‌گراست و وبر کنش‌گراست که این کنش می‌تواند ستیزی هم باشد. بنابراین در بین کلاسیکها بجز دورکیم و مارکس که در دو جریان فکری مشخص ریشه دارند، مرزبندی دقیقی نمی‌توان انجام داد. لیکن در بین معاصرین این تفکیک مشخص‌تر است بنابراین صحبت از نظم‌گرا و ستیزگرا معنی بیشتری پیدا می‌کند.

در این قسمت نظریات این چهار متفکر مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

عبدالرحمن بن خلدون (۷۸۶-۷۱۲)

ابن‌خلدون مورخ و متفکر اجتماعی، که در زمینه مطالعه تحرک نخبگان قدرت، پیدایش دولت و تمدن شهری پیشگام متفکران امروزی است، در دوره‌ی پر آشوب قرن هشتم هجری می‌زیست. دوره‌ای که آثار حملات مغول هنوز دیده می‌شود و تاخت و تاز تیمور ادامه دارد. او شاهد درگیریهایی مدام و

برپایی و زوال قدرتهای گوناگون در عالم اسلامی و خاصه شمال افریقا بود، حوادثی که خود نیز در بعضی از آنها شرکت داشت. این رویدادها به ابن خلدون دیدی داد که با دیدگاه متفکران قرون وسطایی که جوامع را در حال سکون و یکسانی می دیدند، بسیار تفاوت داشت. همانطور که "سمیرامین" اشاره کرده است، ابن خلدون در توضیح و تفسیر این رویدادها، بر مبنای علمی، عمل کرده است و در تبیین آنها از دیدی جامعه‌شناختی که به عوامل اجتماعی در دگرگونیها اهمیت داده می‌شود، برخوردار است. (سمیرامین، ۱۳۷۳). به همین دلیل است که او را بعنوان اولین جامعه‌شناس معرفی کرده‌اند. (Ritzer, 1992)

در اندیشه ابن خلدون انتقال دولتها، استحاله عادات و رسوم ملتها و شیوه‌های زندگی و مذهبهای آنان، اهمیت خاصی دارد. در اینجا سعی می‌شود آن دسته از تفکراتی که به این مطالعه مربوط می‌شود ارائه گردد. زندگی کوچروی و جامعه شهری، انتقال دولتها و تحرک نخبگان از اهم این مسائل است. نظریه ابن خلدون در مورد انتقال دولتها و تحرک نخبگان سیاسی مبتنی بر دوگانگی کوچروی و یکجانشینی است. به نظر او عشایر کوچرو بدلیل محیط و شرایط سخنی که در آن روزگار می‌گذرانند، از قوه محرکه‌ای به نام عصیبت بیش از دیگران برخوردارند. عصیبت را به انسجام درونی، هم‌پشتی، یکپارچگی و یکدلی و آمادگی برای پرخاشگری می‌توان تفسیر کرد. بعلاوه جنگجویی، بی‌باکی، سخت‌کوشی، خیرخواهی و ساده زیستن از سجایای کوچروی است. سازمان اجتماعی هماهنگ با این شخصیت نظامی همبسته، مبتنی بر رابطه خویشاوندی، دمکرات^(۱)، خودکفا و با تقسیم کار ساده است که در آن تکامل درون‌جوش اجتماعی امکان‌پذیر نیست، چنانکه ابن خلدون می‌گوید: "در این شرایط اجتماع و همکاری ایشان در راه به دست آوردن نیازمندیها و وسایل معاش و عمرانی از قبیل مواد غذایی و جایگاه و ... به مقداری است که تنها زندگی آنان را حفظ کند و حداقل زندگی یا مقدار سد

۱- به نظر ابن خلدون هر چه یک ایل، باده‌نشین‌تر باشد، یعنی دورتر از تمدن باشد، بیشتر به تنگدستی و خشونت زندگی خو گرفته است به همین سبب فرماتروایی در میان ایشان دشوار است ... و رئیس آنها اغلب به زبردستان خویش نیازمند است تا از عصیبت ایشان در امر دفاع استناده کند و از این رو ناگزیر باید بر وفق مراد ایشان با آنان مدارا کند و از راه زور وار: نشرد.